

## جستاری در اهداف سفرهای حدیث پژوهی

آتنا بهادری\*

دکتر محمدعلی مهدوی راد\*\*

### چکیده

غناى گنجینه سخنان گهربار پیامبر اکرم ﷺ و امامان معصوم ﷺ در عصر کنونی مرهون تلاش‌های بی‌دریغ مسلمان صدر اسلام و نسل‌های پس از ایشان است. یکی از مهم‌ترین ارزشمندترین روش‌ها در حفظ و انتشار اقوال، سیره و سنن ثقل اصغر، رحله (سفر)های محدثان است.

تأمل در دستاورد سفرهای حدیث‌پژوهان چهار قرن نخستین عالم اسلام، تصریح می‌نماید که مجموع این کوچ‌ها یازده هدف عمده را دنبال می‌کرد: 1. طلب و فراگیری احادیث، 2. اطمینان از صحت و اتقان احادیث، 3. طلب علو در اسناد، 4. نشر و فرادهی احادیث، 5. بررسی احوال روات، 6. مذاکره علما در فهم و نقد احادیث، 7. تأثیر در بهبود اوضاع فرهنگی - دینی شهرهای مقصد، 8. کسب علوم مختلف حدیث، 9. اخذ کتب حدیث، 10. نشر کتب حدیث، 11. تدوین مجموعه‌های حدیث. در این نوشتار به معرفی و ذکر آثار گران‌بهای برخی از این محدثان - که از مصادیق بارز زحمات ایشان است - می‌پردازیم.

کلید واژه‌ها: رحله (سفر)، تاریخ حدیث، اخذ حدیث، نشر حدیث، علو اسناد، کتب حدیث.

### درآمد

بر هیچ مسلمانی پوشیده نیست که قرآن کریم و روایات معصومان ﷺ دو منبع ارزشمند در شریعت اسلام هستند. قرآن سند زنده و معجزه جاویدان پیامبر اکرم ﷺ، از همان بدو نزول با تشویق و اهتمام ایشان حفظ و نگارش شد، اما سنن و روایات حضرت محمد ﷺ و ائمه اطهار ﷺ در طول تاریخ پرفراز و نشیب خود با نابسامانی‌هایی روبه‌رو شد، ولی یاران و اصحاب واقعی ایشان، با روح علمی که اسلام در آنان دمیده بود و در اطاعت از آیه «نفر»<sup>۱</sup> و به منظور تشویق و ترغیب رسول خدا ﷺ به فراگیری

\* کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث.

\*\* استادیار علوم قرآن و حدیث دانشگاه پردیس قم.

۱. «فَلَوْلَا نَفَرَ مِن كُلِّ فِرْقَةٍ مِّنْهُمْ طَائِفَةٌ لِّيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ» پس چرا از هر فرقه‌ای از آنان، دسته‌ای کوچ

علم آ طی طریق نموده، سختی‌های راه را بر خود هموار کردند و در طلب علوم - که ارجح آن علم دین و سخنان گهربار حضرتش بود - روان شدند و بدین صورت، برگی زرین از اهتمام مسلمین در حفظ دینشان رقم خورد.

## 1. مفاهیم واژگان

**الرَّحْلَةُ: الرَّحْلُ و الرَّاحِلَةُ**، هم به معنای چهارپا و مرکب شتر و هم به معنای مسکن و اثاثیه منزل آمده است. عبارت **ارتحل البعیر رحلةً** معنای عزیمت و حرکت شتر را دربر دارد که در عرف رایج، واژه **الرَّحْلَةُ** به معنای «مقصد و سرمنزل» و **الرَّحْلَةُ** به معنای «سفر، کوچ و مهاجرت» است. کلمات **التَّرحُلُ، الإرتحال و التَّرحیل** نیز همگی معنای دوم این واژه را دربر دارند.

در نهایت، با توجه به آنچه کتب لغوی در آن اتفاق دارند، نتیجه می‌گیریم واژه مورد نظر در اصل، از چهارپا شتر - که سنبل حرکت و مهاجرت است - گرفته شده و لذا به هرگونه انتقال و کوچ نمودنی اطلاق می‌گردد.<sup>۲</sup>

حدیث: در لغت به معنای هر شیء جدید و نواست<sup>۴</sup> و شامل ظهور هر امری بعد از آن که نبود، می‌گردد؛<sup>۵</sup> از آن رو، یکی از مصادیق آن، کلام و سخن است؛ به طوری که برخی نگاهی فراتر از مصداق بدان داشته و «مترادف» کلام می‌دانند.<sup>۶</sup> اما در علوم حدیث، این کلمه بر نوع خاصی از کلام اطلاق می‌گردد که حکایت از قول، فعل یا تقریر معصوم<sup>۷</sup> دارد.<sup>۸</sup>

## 2. آغاز سفرهای دین‌پژوهی مسلمانان

با بعثت پیامبر ختمی مرتبت<sup>۹</sup>، روحیه حقیقت‌جوی انسان‌ها سبب شد برای شناخت آیین جدید و دستورات و نواهی آن از سراسر عربستان، تک‌تک یا در قالب وفد<sup>۱۰</sup>هایی سوی حضرتش رهسپار شوند. در ابتدا هدف، شنیدن پیام این آیین و آیات عظیم و شگفت‌آور قرآن کریم بود؛ عده‌ای نیز به هدف سؤال و رفع ابهام از مسائل دینی رهسپار می‌شدند؛ نظیر ضمام بن ثعلبه<sup>۱۱</sup> و عبدالقیس<sup>۱۲</sup>؛ اما رفته‌رفته فهم و درک آیات، رفت و آمد جویندگان دانش دین را سوی ناقلان اولیه زیاد نمود.

نمی‌کنند تا [دسته‌ای بمانند و] در دین آگاهی پیدا کنند و قوم خود را - وقتی به سوی آنان بازگشتند بیم دهند - باشد که آنان [از کفر الهی] بترسند؟ (سوره توبه، آیه 122)

۲. مَنْ سَلَكَ طَرِيقاً يَطْلُبُ فِيهِ عِلْماً سَلَكَ اللهُ بِهِ طَرِيقاً إِلَى الْجَنَّةِ؛ آن که راهی بی‌بیماید تا دانشی جوید، خداوند راهی به بهشت براو می‌گشاید. (اصول الکافی، ج 1، ص 34)

۳. العین، ج 3، ص 207؛ **النهاية في غريب الحديث**، ج 2، ص 209؛ **لسان العرب**، ج 11، ص 274.

۴. العین، ج 3، ص 177.

۵. معجم مقاییس اللغة، ج 2، ص 36.

۶. مجمع البحرین، ج 1، ص 469.

۷. الوجیزة، ص 4؛ **نهاية الدراية**، ص 80.

۸. هیأت یا جماعتی که برای انجام کاری از نقطه‌ای به نقطه دیگر سفر می‌کند.

۹. صحیح البخاری، ج 1، ص 23.

۱۰. همان، ج 1، ص 19.

مسروق بن أجدع از عبدالله بن مسعود نقل می‌کند که او با وجود هفتاد و اندی سوره - که به طور مستقیم از حضرت سماع نموده بود - باز می‌گفت:

لو علمت أهدأ أعلم بكتاب الله تعالى تبلغه الإبل لأتيته؛<sup>۱۱</sup>

اگر احدی را داناتر از خویش به کتاب خدا می‌یافتم، بار شتر به جانب او می‌بستم و مطلبی می‌گرفتم.

و ابی‌الدرداء، صحابی دیگری گوید:

لو أعتيتي آية من كتاب الله فلم أجد أهدأ بفتحها علي إلا رجل ببرك الغماد، لرحلت اليه؛<sup>۱۲</sup>

اگر آیفای از کتاب خدا می‌یافتم و احدی را در فهم آن نمی‌یافتم، مگر کسی در برک الغماد (دورترین جای یمن)، ناچار به سویش سفر می‌کردم.

از دیگر اهداف در سفرهای با محوریت قرآن، تلاش قراء برای کسب و نشر قرائات مختلف بود؛ چنان‌که ابوزکریا یحیی بن سلام بصری (م 200ق) در طلب قرائات از اصحاب حسن بصری سفرهای بسیاری نمود<sup>۱۳</sup> و ابومحمد غازی بن قیس (م 199ق) شیخ اندلس در سفر نزد نافع، قرائتش را بر او عرضه نمود و پس از اختیار قرائت نافع، اولین کسی بود که آن را به اندلس وارد کرد.<sup>۱۴</sup> گذشته از سفرهای قرآنی - که در جای خود فحص و جست‌وجوی ویژه‌ای لازم دارد - در این مقاله، بررسی اهداف فعالیت‌های مسافران حدیث‌پژوه مد نظر است.

### 3. اهداف سفر در نزد محدثان

بررسی قریب یک هزار و هشتصد سفر حدیث‌پژوهی در چهار قرن نخستین اسلام<sup>۱۵</sup>، مشخص می‌کند که علما، بزرگان و محدثان عالم اسلام برای تحقق اهداف ذیل کوچ‌های حدیثی خویش را رقم زدند:

1. طلب و فراگیری احادیث،
2. اطمینان از صحت و اتقان احادیث،
3. طلب علو در اسناد،
4. نشر و فرادهی احادیث،
5. بررسی پیرامون احوال روات،
6. مذاکره علما در فهم و نقد احادیث،
7. تأثیر در بهبود اوضاع فرهنگی - دینی شهرهای مقصد،
8. کسب علوم مختلف حدیث،
9. اخذ کتب حدیث،
10. نشر کتب حدیث،
11. تدوین مجموعه‌های حدیث، که یک به یک مورد بررسی قرار می‌دهیم.

#### 3-1. طلب و فراگیری احادیث

آنچه هدف غالب محدثان از سفرهای علمی‌شان بود، در وهله اول اخذ و فراگیری روایات، سنن و سیره حضرت رسول ﷺ بود که به تدریج، اهداف دیگر، در پی آن شکل منسجمی به خود گرفت.

۱۱. الكفایة فی علم الروایة، ص 569؛ السنة قبل التدوین، ص 179.

۱۲. معجم البلدان، ج 1، ص 400.

۱۳. سیر اعلام النبلاء، ج 9، ص 396، ش 128.

۱۴. همان، ج 8، ص 206، ش 1418.

۱۵. رک: پایان‌نامه کارشناسی ارشد نگارنده با عنوان «پژوهشی در رحله‌های حدیثی در چهار قرن نخستین اسلام» به راهنمایی دکتر محمد علی مهدوی راد و مشاوره دکتر کاظم قاضی زاده، تهران: دانشگاه تربیت مدرس، شهریور 1385 ش.

در عصر حضور حضرت محمدﷺ، در پی اعلام وجوب کسب دانش<sup>۱۶</sup> و تشویق و ترغیب حضرتش به نقل روایات<sup>۱۷</sup>، اصحاب همه هم و غم خویش را به کار گرفتند تا به اوامر حضرت جامه عمل پوشند و در این راه هم خزینه علمشان را سرشار نمایند و هم به احادیثی صحیح و پالوده دست یابند.

### 3-1-1. پیدایش اسناد و اهمیت آن نزد مسلمین

اسناد به معنای «رفع الحدیث الی قائله» (رساندن حدیث به گوینده آن) و سند همان «طریق المتن» (راهی که متن از آن به دست می آید) است<sup>۱۸</sup> که در عهد پیامبرﷺ به وجود آمد. در واقع، علم سند، ابتکاری در قوانین روایت بود که خداوند تنها مسلمین را در آن توفیق داد و امم گذشته از آن بی بهره بودند.

حافظ علی بن حزم گوید:

نقل متصل فرد ثقه از ثقه تا پیامبر اکرمﷺ ویژگی ای است که خداوند آن را مختص مسلمین و نه دیگر ملل، قرار داد و از روزگار قدیم طراوت و تازگی آن را نزد ایشان محفوظ داشت.<sup>۱۹</sup>

صحابه حضرت رسولﷺ آنچه از اقوال پیامبرﷺ می شنیدند و از افعال و یا سایر احوال حضرت می دیدند، برای آنان که به طور مستقیم از حضرت نشنیده و ندیده بودند، نقل می کردند و از آنجا بود که بسیاری افراد - که برخی از فرصت های دیدار حضرت را از دست می دادند و از بسیاری از سنن ایشان محروم می ماندند - از برادران دینی خود اخذ می کردند.

از براء بن عازب نقل است که گوید:

همه ما حدیث رسول اللهﷺ را نمی شنیدیم، چرا که کار و مشغله داشتیم؛ لکن در آن روزگار مردم دروغ گو نبودند. پس شاهد، غایب را خبر می داد.<sup>۲۰</sup>

در عهد رسول اللهﷺ افرادی از صحابه بودند که اگر حدیثی را برای دیگری نقل می کردند، آن را به پیامبرﷺ می رساندند؛ خواه از حضرت به طور مستقیم شنیده بودند یا به واسطه صحابی دیگر؛ البته این ناشی از جهل ایشان به واسطه نقل یا عدم شناخت فردی که از او اخذ کرده بودند، نبود، بلکه به دلیل اعتماد ایشان به یکدیگر بود و این که همدیگر را از مظان کذب، چه به طور طبیعی و چه از باب دیانتشان، دور می دانستند. حضرت نبی اکرمﷺ نیز در میان شان حضور داشتند و اگر اشکالی روی می داد یا دچار شک می شدند، به حضرتش مراجعه می نمودند.<sup>۲۱</sup>

۱۶. طلب العلم فریضه علی کل مسلم الا ان الله یحب بغاه العلم؛ جستجوی دانش بر هر مسلمانی واجب است، همانا خداوند طالبان دانش را دوست می دارد. (الکافی، ج ۱، ص 30)

۱۷. نَصَّرَ اللهُ عَبْدًا سَمِعَ مَقَالَتِي فَوَعَاها ثُمَّ اِذَاها اِلى مَنْ لَمْ يَسْمَعها؛ خداوند کسی را که سخن مرا بشنود، حفظ نماید و به غایبان برساند، پیامرزد (شاداب و سرزنده دارد). (الکافی، ج ۱، ص 403؛ سنن الدارمی، ج ۱، ص 75)

۱۸. تلخیص مقباس الهدایة، ص 10.

۱۹. الفصل فی الملل و الأھواء و النحل، ج 2، ص 82.

۲۰. الکفایة فی علم الروایة، ص 548.

۲۱. «الإسناد نشأته و أهمیته»، ص 221.

در طبقه\* صغار اصحاب، دقت بیشتری در پذیرش و نقل روایات صورت می‌گرفت؛ چنان که مجاهد بن جبر مکی گوید:

بشیر العدوی به سوی ابن عباس آمد و شروع به نقل حدیث نمود، اما ابن عباس اجازه نقل به او نمی‌داد تا بالاخره گفت:

«در گذشته، اگر زمانی می‌شنیدیم که مردی می‌گوید رسول خدا ﷺ چنین فرمود، چشمانمان خیره می‌شد و به او گوش می‌دادیم و اما وقتی زمانه تغییر کرد، جز از آن که او را می‌شناختیم، حدیثی اخذ نکردیم.»<sup>۲۲</sup>

با گذشت عصر صحابه سخت‌گیری‌ها بیش‌تر شد. طبق نقل محمد بن سیرین (م 110ق) تابعی معروف، چون فتنه‌ها آشکار شد، طالبان حدیث خواستار سند احادیث و واسطه‌های نقل متن شدند. اگر از اهل دیانت بودند، حدیث‌شان پذیرفته می‌شد و اگر از اهل بدعت بودند، حدیث‌شان به کناری می‌رفت.<sup>۲۳</sup> تمسک به اسناد در عهد زهری و اقراش\* از صغار تابعان شایع شد و در اواخر قرن اول و اوایل قرن دوم هجری به سیادت رسید؛ به طوری که شرط اعتبار روایات و اساس اعتماد در قبول و رد آنها شد.

در دوران اتباع تابعان، علمای حدیث باب جرح و تعدیل را توسعه دادند و از پذیرش اخبار و روایات راویان مجهول الحال خودداری ورزیدند. در مورد ابوالزناد، از اصحاب امام سجاد<sup>۲۴</sup>، نقل است که او در شهر مدینه صدنفر را مشاهده کرد که کسی احادیث ایشان را قبول نمی‌کرد و دلیل آن نیز، عدم صلاحیت آنها برای نقل روایت بود.<sup>۲۵</sup>

به دنبال چنین تلاش‌های بی‌وقفه‌ای از علمای اقدم بود که حاکم نیشابوری از بزرگان حدیث در قرن چهارم، بیان داشت:

اگر اسناد و کثرت مواظبت مسلمین بر آن نبود، درخشش و تابندگی اسلام از بین می‌رفت و ملحدان و بدعت‌گزاران بر وضع احادیث راه می‌یافتند و اسانید را مقلوب می‌کردند.<sup>۲۶</sup>

و در نهایت، آنچه اجرای قوانین اسناد را ممکن می‌ساخت، سفر و نقل و انتقال محدثین و علمای رجال بود.

از میان طرق تحمّل حدیث<sup>۲۷</sup>، «سماع»<sup>۲۸</sup> برترین و معمول‌ترین شیوه بود که اساس سفرهای علمی را به دیدار علما و کسب شفاهی روایات از ایشان اختصاص می‌داد.

\* در اصطلاح، عبارت از جماعتی است که در سنّ و دیدار مشایخ مشترک باشند. (تلخیص مقیاس الهدایة، ص 204) ۲۲. صحیح مسلم، ج 1، ص 10.

۲۳. المحدث الفاصل بین الراوی و الواعی، ص 208.

\* اقران: افرادی که در سنّ یا اسناد یا دیدار و اخذ از مشایخ قرین یکدیگر باشند. (تلخیص مقیاس الهدایة، ص 54) ۲۴. رجال الطوسی، ص 117.

۲۵. صحیح مسلم، ج 1، ص 11.

۲۶. معرفة علوم الحدیث، ص 115.

۲۷. روش‌های کسب حدیث از راوی قبلی که شامل 1. سماع، 2. قرائت، 3. اجازه، 4. مناو له، 5. کتابت، 6. اعلام، 7. وصیت، 8. وجاده می‌گردد. (ر.ک: تلخیص مقیاس الهدایة، ص 169-181)

۲۸. روشی در تحمّل حدیث که راوی حدیث را از لفظ شیخ بشنود؛ چه شیخ از حفظ بازگوید و چه از روی نوشته بخواند. (تلخیص مقیاس الهدایة، ص 169)

در طبقه اصحاب، انس بن مالک به شخصی که از او حین نقل روایتی پرسید: آیا تو خود از رسول خدا آن را شنیدی؟ جواب داد: هر آنچه ما نقل می‌کنیم، از رسول خدا شنیدیم، لکن برخی از برخی دیگر نقل نمودند.<sup>۲۹</sup>

جابر بن عبدالله انصاری نیز - که در مدینه اقامت داشت - در پی شنیدن حدیث «مظالم» از یکی از اصحاب در شام، شتری خریداری نمود و یک‌ماه در سفر بود تا به ناقل حدیث رسید و گفت: ترسیدم قبل از آن که این حدیث را از تو بشنوم، یکی از ما فوت کنیم.<sup>۳۰</sup>

به دنبال اصحابی که در شهرها متفرق شده و میراث نبوت را به سرزمین‌های مختلف برده بودند، تابعان نیز حرکت کردند. اهتمام ایشان تا آنجا بود که حتی یک حدیث، ایشان را شب‌ها و روزها با خود همراه می‌کرد. سعید بن مسیب از کبار تابعان و اصحاب امام سجاد<sup>۳۱</sup> گفت:

أَنْ كُنْتُ لِأَسِيرِ الْأَيَّامِ وَاللَّيَالِي فِي طَلْبِ الْحَدِيثِ الْوَاحِدِ؛<sup>۳۲</sup>

در جست‌وجوی یک حدیث روزها و شب‌ها سفر می‌کردم.

و بَسْرُ بِنِ عَبْدِ اللَّهِ حَضْرَمِي فِي سَمَاعِ يَكُ حَدِيثٍ كَقَوْلِهِ:

أَنْ كُنْتُ لِأَرْكَبَ إِلَى الْمَصْرِ مِنَ الْأَمْصَارِ فِي الْحَدِيثِ الْوَاحِدِ لِأَسْمَعَهُ؛<sup>۳۳</sup>

برای شنیدن همین یک حدیث، سرزمین‌های مختلف را پیمودم.

ابوقلابه بصری از تابعانی است که به خاطر احادیثی که از فردی در مدینه به او رسیده بود، سه روز در آنجا اقامت کرد؛ در حالی که کاری جز دیدن آن که ناقل حدیث بود، نداشت.<sup>۳۴</sup>

در این میان افرادی چون یحیی بن معین، چندان به سفر در طلب حدیث اهتمام داشتند که اگر محدثی اکتفا به شهر خویش می‌نمود، برای او رشد و هدایتی نمی‌دانستند<sup>۳۵</sup> و عبدالله بن فروخ (م 176ق) در مسجد جامع «عقبه» بر کرسی تدریس جلوس نکرد، مگر پس از سفر و سماع از کبار محدثان مشرق؛ همچون مالک بن انس و سفیان ثوری و اعمش.<sup>۳۶</sup>

### 3-2. اطمینان از صحت و استواری احادیث

یکی از اهداف سفر محدثان، رفع شک و تردیدهایی بود که در الفاظ احادیث خاصی برایشان رخ می‌داد؛ از جمله ایشان ابویوب انصاری است. او با دقتی که در نقل احادیث داشت، وقتی در الفاظ روایتی دچار تردید شد، به سراغ عقبه بن عامر در مصر رفت و گفت:

۲۹. المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 575.

۳۰. الرحلة فی طلب الحدیث، ص 110، ش 31.

۳۱. رجال الطوسی، ص 114.

۳۲. المحدث الفاضل، ص 223، ش 111؛ معرفة علوم الحدیث، ص 118.

۳۳. سنن الدارمی، ج 1، ص 140؛ الرحلة فی طلب الحدیث، ص 147، ش 57.

۳۴. المحدث الفاضل، ص 223، ش 112؛ الرحلة فی طلب الحدیث، ص 144، ش 53.

۳۵. معرفة علوم الحدیث، ص 119، ش 16.

۳۶. مدرسة الحدیث فی القیروان، ج 1، ص 226.

حَدَّثَنَا مَا سَمِعْتَهُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فِي سِتْرِ الْمُسْلِمِ، لَمْ يَبْقِ أَحَدٌ سَمِعَهُ غَيْرِي وَغَيْرِكُ؛<sup>37</sup>  
 برای من آنچه را که از رسول خدا ﷺ در مورد پوشش مسلمان شنیدی، نقل کن که احدی جز  
 من و تو باقی نمانده که آن را شنیده باشد.

و پس از اخذ حدیث، فوراً سوار بر مرکبش شد و به مدینه بازگشت.  
 و یا ابومحمد بن ابی سفیان، روایت جابر را از پیامبر اکرم ﷺ در تفسیر آیه ■ وَتَعَزَّوهُ ■ از ابراهیم بن  
 سعید شنید. پس از آن، ابراهیم در شهر عین زریه ساکن شد و ابومحمد چندین بار نزد او سفر کرد تا  
 دوباره حدیث را برایش بازگوید که او بعد از چند بار امتناع، بالأخره پذیرفت.<sup>38</sup>  
 از سوی دیگر، ابن عجلان از عبیدالله مقسم نقل می‌کند که جابر بن عبدالله در اواخر عمرش تنها  
 برای اتقان یک حدیث از مدینه به مکه رفت.<sup>39</sup> رامهرمزی نیز در سند خود از ابان بن ابی‌عیاش گوید  
 ابومعشر کوفی به خاطر اطمینان از صحت حدیثی که از ابان به وی رسیده بود، از کوفه به بصره  
 گام نهاد.<sup>40</sup>

خطیب بغدادی در بحث مفصلی ماجرای شعبه بن حجاج کوفی (م 160ق)، از اصحاب امام  
 صادق ﷺ،<sup>41</sup> را شرح می‌دهد که به دنبال اطمینان در نقل حدیث «دعای وضو»، به چندین شهر قدم گذارد  
 و با هدایت سلسله افراد سند، در نهایت، آن را از زیاد بن محراق در بصره شنید.<sup>42</sup>  
 در مجموع، سفر برای بررسی استواری و اتقان احادیث در نوع روایات ذیل صورت گرفت:<sup>43</sup>  
 الف. احادیثی که در متن یا معنا یکسان‌اند، ولی با اسناد دیگری روایت شدند. (متابع)  
 ب. احادیثی که مضمون آن در احادیث دیگر وجود دارد. (شاهد)  
 ج. احادیثی که از نظر سند ضعیف‌اند و محدث برای احتجاج بدان‌ها، در طلب بررسی روات و قوت  
 بخشیدن به سند برمی‌آید. (حسن لغیره)  
 د. احادیث صحیحی که بررسی راحل، بر قوت آن می‌افزاید و یا از ضعف و خلل آن پرده برمی‌دارد.

### 3-3. طلب علو در اسناد

کم نمودن وسایط سند حدیث در عین حال که متصل هستند، روشی است که در آن محدث، حدیثی را با  
 واسطه از شیخی شنیده، لذا به سراغ او رفته و از خود شیخ به طور مستقیم می‌شنود.  
 به درستی که اگر اسناد و کثرت مواظبت مسلمین بر حفظ آن نبود، مناره‌های اسلام متزلزل می‌شد و  
 ملحدان و بدعت‌گزاران بر وضع احادیث راه می‌یافتند و اسانید را مقلوب می‌کردند.

۳۷. معرفة علوم الحديث، ص 117: تدریب الراوی، ص 160.

۳۸. الرحلة في طلب الحديث، ص 164، ش 66.

۳۹. سير اعلام النبلاء، ج 4 ص 338، ش 260.

۴۰. المحدث الفاضل، ص 223: الرحلة في طلب الحديث، ص 148، ح 58.

۴۱. رجال الطوسي، ص 224.

۴۲. الرحلة في طلب الحديث، ص 153، ح 59.

۴۳. همان، مقدمه نورالدین عتر، ص 19.

اما نه تنها دقت در سند حدیث از زمان علمای سلف، سنتی در میان محدثان بود<sup>۴۴</sup>؛ بلکه اخذ احادیث با اسناد عالی نیز اهمیت ویژه‌ای داشت و افرادی نظیر محمد بن مسلم طوسی، *قرب الأسنان* را نزدیکی به خداوند و سفر با این هدف را مستحب می‌دانستند<sup>۴۵</sup> و محمد بن طاهر مقدسی نیز معتقد به اجماع اهل نقل بر طلب علو اسناد بود.<sup>۴۶</sup>

در توضیح اسناد عالی، حاکم نیشابوری<sup>۴۷</sup> معتقد است که به تعداد رجال سند، بستگی ندارد، بلکه فهم راوی ملاک است؛ چه بسا اسنادی که هفت، هشت یا ده واسطه دارد، ولی اعلی از همان سند با وسایط کمتر است؛ چنان که علی بن خشرم در مورد وکیع می‌آورد<sup>۴۸</sup>: از ما پرسید کدام یک از دو سند ذیل نزد شما بهتر است؟ آن که اعمش از ابی وائل، از عبدالله بیاورد، یا سفیان از منصور، از ابراهیم، از علقمه، از عبدالله؟ گفتیم: اولی و او پاسخ داد: سبحان الله که اعمش و ابووائل شیخ‌اند، ولی سفیان و منصور و ابراهیم و علقمه همگی فقیه‌اند و حدیثی که در بین فقها بگردد، بهتر از حدیثی است که شیوخ انتشار دهند.

در هر صورت، علو را به هر معنایی بگیریم، با مسافرت و اخذ حدیث از راوی - که مورد اعتماد راحل است - حاصل می‌گردد؛ چنان که از ابوالعالیه ریاحی نقل است که گفت:

ما روایتی را در بصره از اصحاب رسول خدا ﷺ می‌شنیدیم، ولی راضی نمی‌شدیم تا آن‌که به مدینه رفته و از زبان خودشان می‌شنیدیم.<sup>۴۹</sup>

زید بن حباب بن ریان<sup>۵۰</sup>، پس از آن که به دنبال حدیث «فرق مابین صیامنا و صیام اهل الكتاب اكلة السحر»، به سراغ اسامه به مدینه رفت و در آنجا شنید که موسی بن علی - که اسامه از او شنیده است - در مصر زنده است، مرکبش را سوار شد و راهی مصر گردید و بالأخره حدیث را از خود وی شنید.<sup>۵۱</sup> توجه به اسناد عالی از چنان اهمیتی برخوردار بود که نقل است ابوعلی نیشابوری وقتی در سال 303ق از ابن ابی خزیمه اجازه خروج از عراق خواست، وی گفت: تو به دلیل سفرهای بسیار صاحب احادیث عالی الاسنادی هستی و در حفظ و اتقان بر همه سبقت داری و ما از تو بهره می‌بریم؛ پس نرو!

۵۲

۴۴. مقدمه ابن صلاح، ص 156؛ *الجامع لأخلاق الراوی*، ص 185.

۴۵. *تدریب الراوی*، ص 160.

۴۶. *الرحلة فی طلب الحدیث*، مقدمه نورالدین عتر، ص 20.

۴۷. *معرفة علوم الحدیث*، ص 123.

۴۸. *المحدث الفاصل*، ص 238، ش 139.

۴۹. *سنن الدارمی*، ج 1، ص 140.

۵۰. بنابر آن که او در طریق روایات *الخصال* شیخ صدوق و *الأمالی* شیخ طوسی است، از رجال شیعه است. (رجال

*الشیعة فی أسانید السنه*، ص 131)

۵۱. *المحدث الفاصل*، ص 229، ش 120؛ *الرحلة فی طلب الحدیث*، ص 157-159، ش 63.

۵۲. *سیر اعلام النبلاء*، ج 12، ص 221، ش 3236.



و برخی همچون قاسم بن أصبغ اندلسی (م 340ق) به دلیل سفرهای بسیاری که در طلب علوّ سند نموده بود، مرکز توجه مردم شهر خویش شد و علوّ سند در اندلس به وی منتهی گردید.<sup>۵۳</sup> از همه مهم‌تر افرادی هستند که هم مورد توجه شیعه و هم اهل تسنن‌اند؛ مثلاً عبدالرزاق بن همام صنعانی (م 211ق)، از اصحاب امام صادق □ و از اعلام علمای شیعه است؛<sup>۵۴</sup> در عین حال، این عالم بزرگ را شیخ بخاری و مقصود سفر احمد بن حنبل، یحیی بن معین و دیگر بزرگان اهل سنت نیز دانستند.<sup>۵۵</sup> همچنین او همان کسی است که از معمر بن راشد، از ابان بن ابی عیاش، از سلیم بن قیس حدیث طولانی حضرت علی □ برای طلحه را در مورد «یوم الخمیس» و فرموده حضرت رسول □ را در ولایت و وصایت علی بن ابی طالب □ و شهادت مقداد، سلمان و ابوذر بر این ماجرا، نقل نمود.<sup>۵۶</sup> این محدث عظیم‌الشأن و پرکار، در پی سفرهایش به حجاز، عراق و شام از پنجاه شیخ غیر یمنی حدیث شنید و پس از آن که شور و شوقش در طلب حدیث پایان یافت، وسعت علمی او سبب شد از اقصا نقاط عالم اسلام سویس رهسپار شوند.<sup>۵۷</sup>

### 3-4. نشر و فرادهی احادیث

از مهم‌ترین انگیزه‌های سفر، انتشار محفوظات یک محدث است و در میان علما و بزرگان اسلام، بسیار دیده شده که هدفشان از هجرت، پرداخت زکات علم‌شان بوده است؛ به عنوان نمونه، محمد بن مسلم ابوجعفر أعورق (م 150ق)، از اصحاب صادقین □ بود که با سفرش به کوفه، جمعیت فراوانی از جمله عامّه را نزد خود گرد آورد.<sup>۵۸</sup>

از صاحبان کتب اربعه، محمد بن یعقوب کلینی □، صاحب کتاب شریف *الکافی*، پس از آن که رشد و نمو علمی‌اش در کُلین صورت گرفت، متوجه بغداد گردید و در آنجا مورد توجه و مقصد سفر بزرگان حدیث شیعه شد.<sup>۵۹</sup> و شیخ صدوق □ نیز شهرهای بسیاری را از بلاد خراسان درنوردید و علاوه بر کتب گران‌سنگی که نگارش نمود، احادیث بسیاری در اختیار مردم آن شهرها قرار داد و در شهر بغداد نیز اجازه نقل مصنفاتش را به پدر «نجاشی، عالم رجالی»، علی بن احمد بن عباس داد.<sup>۶۰</sup> غیر از صاحبان کتب، دیگر بزرگان، چنین مجالسی در شهرهای مورد سفر خویش داشتند؛ از آن جمله محمد بن سلیمان لؤین اسدی (م 245ق)، از اصحاب امام صادق □ است،<sup>۶۱</sup> که به نقل بغوی، وقتی وارد بغداد شد، صدهزار نفر برای شرکت در مجلس او حاضر شدند که به ناچار، آن را در میدان «الأشنان»

۵۳. همان، ج 12، ص 119، ش 3113.

۵۴. *رجال النجاشی*، ص 379 (ذیل ش 1032 محمد بن ابی بکر همام بن سهیل)؛ *رجال الطوسی* ص 265 ش 714.

۵۵. *تاریخ الکبیر*، ج 3، ص 423.

۵۶. *الإكمال فی أسماء الرجال*، ص 115.

۵۷. *تهذیب الکمال* ج 18، ص 52 و 53.

۵۸. *رجال ابن داود*، ص 184.

۵۹. *رجال النجاشی*، ص 377 ش 1026؛ *اعیان الشیعة*، ج 10، ص 99؛ *سیر اعلام النبلاء*، ج 11، ص 652، ش 2971.

۶۰. *رجال النجاشی*، ص 389، ش 1026؛ *اعیان الشیعة*، ج 10، ص 24.

۶۱. *رجال الطوسی*، ص 283، ش 129.

شهر بر پا نمود<sup>۶۲</sup> و یا در مورد حاضران مجلس ابو خالد یزید بن هارون سلمی (م 206ق)، هفتاد هزار نفر گزارش داده‌اند.<sup>۶۳</sup>

علاوه بر مواردی که به کثرت افراد در مجالس حدیث‌شان اشاره شده است، اشخاصی هستند که تعداد بسیار احادیث منقول از ایشان در سفر به یک شهر مورد توجه است؛ به خصوص که از حفظ بیان نموده‌اند، نه از روی نوشته؛ مثلاً در مورد غیث بن ابوعمر کوفی (م 194ق) گویند جمیع آنچه در بغداد و کوفه نقل نمود، قریب سه یا چهار هزار حدیث، از حفظش بود.<sup>۶۴</sup>

البته در مواردی اغراق در اعداد بیشتر است؛ مثلاً گویند ابوداود طیالسی (م 323ق) چهل هزار حدیث از حفظ بر مردم اصبهان نقل کرد<sup>۶۵</sup> و گفت: از نقل آن فخری ندارم، در حالی که در سینه‌ام دوازده هزار حدیث از عثمان البری است که احدی از مردم بصره از من نپرسید؛ لذا به اصبهان آمدم و آنجا نقل نمودم.<sup>۶۶</sup> و فرزند اسحاق بن بهلول تنوخی (م 252ق) نقل حدیث پدرش را در بغداد، بالغ بر پنجاه هزار حدیث از حفظ دانسته است که در هیچ یک خطایی هم صورت نداد.<sup>۶۷</sup>

### 3-5. بررسی احوال روات

از دیگر اهداف سفر محدثان و بخصوص علمای رجال، بررسی عدالت و وثاقت روات و آزمایش حفظ و تیقن آنها از طریق ملاقات، گفت‌وگو و پرسش‌هایی در احوال ایشان است؛ نظیر سفری که یحیی بن معین همراه احمد بن حنبل به مدینه داشت و در راه، وقتی به کوفه رسیدند، به احمد بن حنبل گفت: می‌خواهم ابونعیم را ببازم. لذا سی حدیث از احادیث او را در ورقی نگاشت و در میان آنها سه حدیث از غیر او قرار داد، ولی وی هر سه را تشخیص داد.<sup>۶۸</sup>

همچنین ابوگریب محمد بن علاء کوفی (م 248ق) در سفر نزد یحیی بن حمزه با دیدن او در لباس قضاوت، دیگر حدیثی از وی نقل ننمود.<sup>۶۹</sup> همه این مطالب حکایت از اهمیت بررسی ناقلان حدیث نزد محدثان دارد.

### 3-6. ملاقات علما و مذاکره در فهم و نقد احادیث

بررسی رحلات حدیثی نشان می‌دهد که محدثان، گاهی به صورت گروهی سفر می‌کردند تا در اثنای این نقل و انتقالات به مبادله دانش و مباحثه در فهم و درک احادیث و تمییز صحیح و سقیم آن، با دیگر بزرگان حدیث بپردازند؛ از آن جمله احمد بن حنبل، یحیی بن معین و علی بن مداینی هستند که در سفر

<sup>۶۲</sup> سیر اعلام النبلاء، ج 9، ص 643، ش 1934.

<sup>۶۳</sup> همان، ج 8، ص 235، ش 1432. البته این گونه اعداد مقداری مبالغه‌آمیز است.

<sup>۶۴</sup> همان، ج 8، ص 3، ش 1320.

<sup>۶۵</sup> همان، ج 8، ص 242، ش 1437.

<sup>۶۶</sup> تاریخ بغداد، ج 9، ص 28.

<sup>۶۷</sup> سیر اعلام النبلاء، ج 10، ص 333، ش 2143.

<sup>۶۸</sup> نورالدین عتق، مقدمه الرحلة فی طلب الحدیث، ص 207.

<sup>۶۹</sup> سیر اعلام النبلاء، ج 10، ص 135، ش 2024.

به مکه یکدیگر را مشایعت می‌کردند<sup>۷۰</sup> و یا عبدالله بن فروخ به همراهی بهلول بن راشد و عبدالله بن عمر بن غانم از افریقیه سوی مشرق عالم اسلام سفر نمود.<sup>۷۱</sup>

علاوه بر این همراهی‌ها، شهرهای مقصد نیز مکان خوبی برای مذاکرات حدیثی بود؛ مثلاً دیدار سه عالم بزرگ حدیث، عبدالرحمان بن مهدی عالم بصره<sup>۷۲</sup>، زیدین حباب بن ربیع عالم خراسان<sup>۷۳</sup> و سعدویه سعیدبن سلیمان عالم واسط<sup>۷۴</sup> و شنیدن حدیث‌شان از معاویه بن صالح، عالم اندلس در شهر مکه بوده است، نه در اندلس و یا ابوعلی نیشابوری در شهر بغداد با ابومحمد عسال، ابواسحاق بن حمزه، ابوطالب بن نصر، ابوبکر جعابی و ابواحمد زیدی گرد آمدند و مبادلات حدیثی نمودند.<sup>۷۵</sup>

از مهم‌ترین امور مورد توجه در شهرهای هدف، «عرضه کتب و محفوظات حدیثی» مسافران برای تأیید علما و بزرگان آن دیار است؛ چنان‌که محمد بن عیسی بن سوره ترمذی صاحب *سنن* برای اتقان احادیث کتابش، آن را بر علمای حجاز، عراق و خراسان عرضه نمود و همگی تأیید کردند.<sup>۷۶</sup> در میان شهرهای مرکز تجمع دانشمندان حدیث، «مکه مکرمه»، به دلیل برگزاری موسم حج، نقش مهمی در عصر پر اختناق حضور معصومان □ دارد.

### 3-6-1. اهمیت موسم حج در نقل و انتقال احادیث

موسم حج بهترین زمان برای خیل عظیم مشتاقان دعوت حق در کسب معارف الهی است؛ بخصوص در عصر معصومان □ که مردم به طور مستقیم به سرچشمه علوم اسلام دسترسی داشتند. در این میان، در عصر صادقین □ وقوع تحولاتی در شرایط سیاسی جامعه در کنار کاهش سخت‌گیری عمال حکومتی، فرصت مغتنمی را برای این نوع ارتباط فراهم آورد.

رجوع مردم به ائمه اطهار □ منحصر به شیعیان نبود، بلکه بزرگان زنادقه، معتزله، حنفیه و دیگر مذاهب به قصد مناظره و مباحثه نزد حضرات □ می‌آمدند؛ از جمله زنادقه ابن‌ابی‌العوجاء، ابن‌طالوت و ابن‌الأعمی،<sup>۷۷</sup> معتزله عمرو بن عبید، واصل بن عطا و حفص بن سالم<sup>۷۸</sup> و بزرگ حنفیه نعمان بن ثابت<sup>۷۹</sup> نزد امام صادق □ آمدند.

۷۰. الإرشاد فی معرفة علماء الحدیث، ج ۱، ص ۱۹۷-۱۹۸؛ مدرسة الحدیث فی الیمن، ص ۴۶۸

۷۱. مدرسة الحدیث فی الیمن، ص ۲۰۴.

۷۲. تاریخ یحیی بن معین، ج ۱، ص ۹۲.

۷۳. سیر اعلام النبلاء، ج ۸، ص ۲۵۲، ش ۱۴۴۰.

۷۴. همان، ج ۹، ص ۱۷۷، ش ۱۶۹۵.

۷۵. همان، ج ۱۲، ص ۲۱۸، ش ۳۲۳۶.

۷۶. سیر اعلام النبلاء، ج ۱۰، ص ۶۱۰، ش ۲۳۵۰.

۷۷. بحار الانوار، ج ۱۰، ص ۲۰۹. و زندقی که از مصر برای مناظره با امام جعفر بن محمد □ راهی مدینه شد و با شنیدن عزیمت امام برای حج او نیز چنین کرد و با ملاقات امام □ در طواف طی براهین کوبنده و زیرکانه حضرت از میان جواب‌های

وی، مجبور به پذیرش شکست شد. ( الکافی، ج ۱ ص ۷۲ )

۷۸. بحار الانوار، ج ۴۱، ص ۲۱۳.

۷۹. همان، ج ۱۰، ص ۲۲۰.

در میان شیعیان نیز افرادی بودند که با درک جایگاه علمی و الهی معصومان □ در پی پاسخ مجهولات خویش، ائمه □ را هر جا که می‌یافتند، مقصد حرکت خود قرار می‌دادند؛ از جمله:

الف. گروهی معصوم را در حال طواف دیده و دربارهٔ مناسک حجّ می‌پرسیدند؛ علی بن زید صاحب السابری در مورد نیابت حجّ میّتی در کوفه از ابوحنیفه پرسیده بود و در حال طواف امام صادق □ را دید و به فتوای نادرست ابوحنیفه پی برد.<sup>۸۰</sup> یا سفیان ثوری،<sup>۸۱</sup> زید شحّام<sup>۸۲</sup> و ابن ابی عوانه (از موالی بنی‌امیه)،<sup>۸۳</sup> هر یک جداگانه از امام صادق □ در کیفیت استلام حجرالاسود توسط پیامبر اکرم □ پرسیدند و علت تفاوت عمل امام □ را جویا شدند.

ب. عده‌ای در پی پاسخ سوّال دیگران نزد امام می‌رفتند؛ از جمله: داود الرقی که یکی از خوارج سوّالی از او در مورد آیه «**مِنَ الصَّنَائِنِ اثْنَيْنِ وَمِنَ الْمَعْرِ اثْنَيْنِ**» پرسید و چون نمی‌دانست، حجّ گزارد و از امام صادق □ جواب را برای او آورد و مرد خارجی با شنیدن پاسخ صحیح، بلافاصله به سرچشمه و گوینده اصلی پی برد.<sup>۸۴</sup>

ج. افرادی نیز با دیدن امام در صفوف طواف، به هر نحو ممکن، از محضر حضرتش بهره می‌بردند.<sup>۸۵</sup>

### 3-7. تأثیر در بهبود اوضاع فرهنگی - دینی شهرهای مقصد

برخی از علمای حدیث در جریان سفرهایشان با درک اوضاع و آگاهی از شرایط مردم شهر مقصد، با نگارش کتاب، سعی در درمان بیماری ذهنی و هدایت ایشان نمودند؛ نمونه بارز این افراد:

1. احمد بن شعیب نسایی صاحب *السّنن* بود که با سفر به بلاد شام و ثغور (شهرهای مرزی) با دیدن ازدیاد منحرفان از امیرمؤمنان علی □ در شهر رمله اقدام به تألیف کتاب *الخصائص فی فضل علی بن ابی‌طالب و اهل البیت* □ نمود و روایات فضایل معاویه را مورد نقد و جرح قرار داد.<sup>۸۶</sup>

2. صاحب دومین کتاب از کتب اربعه شیعه، شیخ صدوق □، کتاب *من لایحضره الفقیه* را در قصبه ایلاق شهر بلخ، در پی درخواست یکی از درداشنایان دین به نام شریف‌الدین نعمه، و درک شرایط مردم آن دیار - که از کانون علمی عالم اسلام دور بودند - به نگارش درآورد.<sup>۸۷</sup>

3. همچنین ایشان در پی درک سرگردانی شیعیان در امر امام غایب □ و مشاهده شبهات و اختلافات رایج مردم، خطر بزرگی احساس نمود و برای حفظ شیعه از شرّ فتنه و فروپاشی حتمی به مبارزات فکری و مباحثات علمی پرداخت. از جمله تلاش‌های گران‌مایه این عالم، مجالس متعدّد مناظره با مخالفان در ریّ نزد رکن‌الدوله بویه‌یی، در نیشابور پس از مراجعه از زیارت امام رضا □ و در بغداد بود<sup>۸۸</sup> که به نگارش

۸۰. همان، ج 96، ص 118.

۸۱. همان، ج 4، ص 404.

۸۲. همان، ص 408.

۸۳. همان.

۸۴. «هذا شیء حملته الإبل من الحجاز». (بحار الانوار، ج 10، ص 216)

۸۵. نظیر فردی که در باب «بخشش» از امام کاظم □ سوال نمود. (الكافی، ج 4، ص 38 و 39) و مردی از بیت‌المقدس در باب آغاز بنای کعبه از صادقین □ پرسید. (همان، ج 4، ص 187 و 188)

۸۶. سیر اعلام النبلاء، ج 11، ص 194، ش 2588: اعیان الشیعه، ج 2، ص 602.

۸۷. من لایحضره الفقیه، ص 2.

۸۸. کمال الدین، مقدمه، ص 10.

آثاری همچون رساله فی الغیبه الی الری و المقیمین بها، کتاب مسأله نیشابور و الرساله الثانیة الی بغداد، انجامید<sup>۸۹</sup> و اگر سفرهای شیخ به این بلاد و مشاهده مستقیم اوضاع عقیدتی پیروان مذهب نبود، ضربه‌ای بزرگ به اعتقادات شیعیان در امر حجت □ وارد می‌گردید.

در کنار این سفرها سطره توجه شیخ، نیازهای علمی و عقیدتی مردم بلاد دیگر را نیز در بر گرفت. این مطلب از آثار برجای مانده از مکاتبات شیعیان با ایشان مشهود است؛ از آن قبیل: جواب سؤال‌های رسیده از قزوین، مصر، بصره، مداین و نامه ایشان به ابومحمد فارسی است.<sup>۹۰</sup>

### 3-8. کسب علوم مختلف حدیث

راحلان حدیث در کنار فراگیری و فرادهی احادیث، به یادگیری علوم متفاوت حدیث (نقدالرجال<sup>۹۱</sup>، فقه الحدیث<sup>۹۲</sup>، غریب الحدیث<sup>۹۳</sup>، علل الحدیث<sup>۹۴</sup>، مختلف الحدیث<sup>۹۵</sup> و...) پرداختند.

نکته بسیار پر اهمیت، تأثیری است که ائمه اطهار □ در آموزش علوم مختلف به اصحاب مخصوص خویش داشتند؛ مثلاً خاندان اعیان - که برخی از ایشان (حمران، بکیر، زراره و...) مصاحبت و شاگردی چندین امام معصوم □ را در مدینه و مکه و دیگر شهرها زینت زندگی خود دارند - همه مسافرانی از کوفه بودند.

توجه به فرمایش امام صادق □ درباره زرارۀ بن اعیان<sup>۹۶</sup> روشن می‌سازد که حفظ و نگهداری احادیث معصومان □ در زمانی که انواع فرق و مکاتب انحرافی، اعم از زنداقه، مرجئه، غلات و... بازار گرمی برای خویش داشتند، منحصر به ثبت الفاظ ظاهری حدیث در یک مصحف نیست، بلکه قطعاً چنین امری علم وافر زراره را به فقه الحدیث و ضوابط جعل و وضع حدیث می‌رساند.

در مورد ابان بن تغلب کوفی - که از اصحاب مورد اعتماد سه امام سجاد، باقر و صادق □ بود و کتاب وزینی همچون غریب القرآن داشت - قابل درک است که دلیل فرمایش امام باقر □ به او، نسبت به جلوس در مسجد مدینه و فتوا دادن<sup>۹۷</sup>، وسعت دانشش و لزوم آموزش آن به دیگر مردم

۸۹. رجال النجاشی، ص 392؛ فهرست الطوسی، ص 238.

۹۰. کمال الدین، مقدمه، ص 8.

۹۱. (= علم جرح و تعدیل) علمی است که به نقد راویان حدیث و ذکر جایگاه ایشان از نظر مدح و ذم و الفاظ مخصوص آن می‌پردازد. (نهایة الدرایة، ص 26)

۹۲. علمی است که بدین امور می‌پردازد: عرضه محتوای حدیث بر کتاب و سنت مقطوعه، تحقیق در مورد صدور حدیث و آنچه مدخلیتی در فهم مدلول دارد، دقت در این که حدیث عین لفظ معصوم است یا نقل به معنا، شناخت عام و خاص و مطلق و مقید؟ شناخت محکم و متشابه حدیث. (تلخیص مقیاس الهدایة، ص 243 - 255)

۹۳. بررسی متن احادیثی که در آن پیچیدگی‌ای به دلیل وجود برخی الفاظ مشکل ایجاد شده است. (نهایة الدرایة، ص 29)

۹۴. علمی است که از عیوب پنهان و پوشیده حدیث که در حجیت آن اشکال ایجاد می‌کند، بحث می‌کند. (همان، ص 29)

۹۵. علمی است که درباره احادیثی که متعارض‌اند، یعنی میان مدلول آنها با یکدیگر تنافی وجود دارد، بحث می‌کند و از چگونگی رفع این تعارض سخن می‌گوید. (همان، ص 28)

۹۶. اگر زراره نبود، احادیث پدرم محمد بن علی الباقر □ از بین می‌رفت. (اختیار معرفة الرجال، ج 1، ص 348)

۹۷. الفهرست، ص 57.

جوید علم است.

سه تن دیگر از موثق‌ترین شاگردان معصومان  $\square$  مؤمن طاق، هشام بن حکم و محمد طیار همگی اهل کوفه بودند که جذبه علمی و معنوی امامان شیعه ایشان را به تجمّع در مدینه سوق داد و به ترتیب، در علم «کلام»، «امامت» و «قدر و استطاعت» فرزانه‌ای مورد تأیید امام خویش شدند.<sup>۹۸</sup>

یونس بن عبدالرحمان نیز از دیگر یاران کوفی امامان کاظم و رضا  $\square$  است که کتب بسیاری از جمله *اختلاف الحدیث و العلل* را نگاشت<sup>۹۹</sup> و چنان در علوم آموخته از پیشوایان برحق سرآمد گردید که فضل بن شاذان اثر این تعلیم و تعلم را نگارش هزار جلد کتاب در ردّ مخالفان مذهب از یونس دانسته است.<sup>۱۰۰</sup>

از موارد انتقال علوم توسط دانشمندان اهل سنت نیز باید از افراد زیر یاد کرد:

ابوعبید قاسم بن سلام (متولّد هرات)، در بغداد به توضیح و تدریس غریب الحدیث پرداخت و کتاب‌هایی در این باب تصنیف نمود.<sup>۱۰۱</sup>

از اهداف سفر محمدبن اسماعیل بخاری صاحب *الصحيح و عثمان بن سعيد دارمی* صاحب *السنن*، به شهر بصره نزد علمای آن، بویژه علی بن مدینی آموختن علوم حدیث بود. نیز بخاری *نقد الرجال*<sup>۱۰۲</sup> و دارمی *علل الحدیث*<sup>۱۰۳</sup> را اختصاصاً فرا گرفتند.

همچنین، اواخر قرن سوم با سفر سلیمان شاذکونی به بغداد، احمد بن حنبل اطرافیان را به آموختن *نقد الرجال* از وی ترغیب نمود.<sup>۱۰۴</sup>

### 3-9. أخذ کتب حدیث

دستیابی به کتاب‌های مهم حدیث از دیگر مقاصد مسافران بود که در اینجا نمونه‌هایی به تفکیک شیعه و سنی و شهرهای مقصدشان ذکر می‌گردد:

#### دانشمندان شیعه

در بصره: ابراهیم بن هاشم قمی بزرگ‌ترین دستاورد فقهی حمّاد بن عیسی را دربارهٔ نماز و زکات از او فراگرفت.<sup>۱۰۵</sup>

۹۸. *اختیار معرفة الرجال*، ج 2، ص 554.

۹۹. *الفهرست*، ص 266.

۱۰۰. *معجم رجال الحدیث*، ج 21، ص 213.

۱۰۱. *سیر اعلام النبلاء*، ج 9، ص 183، ش 1702.

۱۰۲. *مدرسه الحدیث فی البصرة*، ص 444.

۱۰۳. *سیر اعلام النبلاء*، ج 10، ص 640، ش 2366.

۱۰۴. *تاریخ بغداد*، ج 9، ص 43.

۱۰۵. *اعیان الشیعة*، ج 2، ص 233؛ «علم رجال و مسأله توثیق»، سال 8، ص 28.

در کوفه: علی بن جعد بغدادی «صحیفه سفیان بن عیینه» را گرفت<sup>۱۰۶</sup>، فضل بن شاذان کتاب عبدالله بن بکیر را از حسن بن علی بن فضال گرفت<sup>۱۰۷</sup> و احمد بن محمد بن عیسی اشعری در ملاقات حسن بن علی بن وشاء کتاب علاء بن رزین قلاء و ابان بن عثمان أحمرا را فراگرفت.<sup>۱۰۸</sup> در بغداد: ابن عقده توسط ابن الجعابی از ابن صاعد مسند علی بن ابی طالب را فراگرفت.<sup>۱۰۹</sup>

در ری: ضحاک بن مزاحم کوفی از سعید بن جبیر تفسیر ابن عباس را گرفت<sup>۱۱۰</sup> و ابومحمد عبدالباقی بصری از عبدالرحمان نیشابوری سه تصنیفش به نامهای الحجج و البراهین (در مورد امامت حضرت امیر و اولاد یازده گانه ایشان)، المذهب فی المذهب و رسائل البصرة را شنید.<sup>۱۱۱</sup>

همچنین ابوالحسن علی بن حاتم قزوینی در سال 306ق، ابوالقاسم حمید بن زیاد کوفی را - که به نینوا نقل مکان کرده بود - ملاقات کرد و کتاب الرجال وی را بر او عرضه کرد و اجازه نقل دیگر کتب او را گرفت.<sup>۱۱۲</sup>

هارون بن موسی تلعبری (م 385ق) از بزرگان علمای شیعه است که در طی سفرهای متعدّدش اجازه نقل آثار بسیاری را گرفت و کتابهای فراوانی را از صاحبان اولیه اش شنید؛ از جمله: براهین الاثمة و از سعید بن احمد ابوالقاسم غراد کوفی<sup>۱۱۳</sup>، زهر الریاض از عبدالله بن فضل ابوعیسی کوفی<sup>۱۱۴</sup>، کتاب النور لمن تدبره از حیدر بن محمد سمرقندی<sup>۱۱۵</sup>، نوادر الحکمة و الإمامة از محمد بن احمد بن یحیی اشعری قمی<sup>۱۱۶</sup>، کتاب الفرائد از محمد بن قاسم ابوعبدالله کوفی سودانی<sup>۱۱۷</sup> و بسیاری کتب دیگر.

### دانشمندان اهل تسنن

در مدینه: محمد بن ادريس شافعی المؤطا مالک را از خود وی شنید و از حفظ بر او عرضه نمود.<sup>۱۱۸</sup>

۱۰۶. سیر اعلام النبلاء، ج 9، ص 165، ش 1690.
۱۰۷. رجال النجاشی، ذیل رقم 72 (حسن بن علی بن فضال)، ص 34-36: اختیار معرفة الرجال، ش 993.
۱۰۸. رجال النجاشی، ذیل ش 80 (حسن بن علی بن وشاء)، ص 39.
۱۰۹. اعیان الشیعة، ج 3، ص 112: تهذیب المقال، ج 3، ص 481.
۱۱۰. سیر اعلام النبلاء، ج 5، ص 481، ش 605.
۱۱۱. الفهرست، ص 76.
۱۱۲. رجال النجاشی، ص 132.
۱۱۳. همان، ص 180، ش 473.
۱۱۴. همان، ص 232، ش 616.
۱۱۵. الفهرست، ص 64.
۱۱۶. مستدرکات علم رجال الحدیث، ج 6، ص 445.
۱۱۷. همان، ج 7، ص 292.
۱۱۸. المحدث الفاصل، ص 232، ش 125: سیر اعلام النبلاء، ج 8، ص 377، ش 1539.

در مکه: یحیی بن سعید قطّان به کتب ابن جریر<sup>۱۱۹</sup>، علی بن عبدالله مدینی به کتب شافعی<sup>۱۲۰</sup> و ابومحمد عبدالله اصبیلی به *صحیح البخاری*<sup>۱۲۱</sup> دست یافتند.

در بصره: یحیی بن معین *کتاب حماد بن سلمه* را از موسی بن اسماعیل تبوذکی شنید<sup>۱۲۲</sup> و ابویعقوب اسحاق بن ابی عمران از ربیع *المبسوط* را شنید.<sup>۱۲۳</sup>

در بغداد: ابن ابی شریح هروی از ابوالقاسم بغوی *الجمعیات* را شنید.<sup>۱۲۴</sup>

در یمن: ابوسفیان محمد بن حمید معمری از معمر بن راشد کتبش را تحصیل نمود<sup>۱۲۵</sup> و یحیی بن معین و احمد بن حنبل و ابوخیثمه زهیر بن حرب *کتب عبد الرزاق*.<sup>۱۲۶</sup>

در مصر: ابوعلی حسن بن حبیب حصائری از ربیع مرادی *کتاب الأمّ* را گرفت<sup>۱۲۷</sup> و ابن الأحمر محمد بن معاویه از ابوعبدالرحمان نسایی *السنن الکبیر*ش را شنید.<sup>۱۲۸</sup>

در قیروان: محمد بن وضاح از موسی بن معاویه صُمادحی *المصنّف* و کعب بن جرّاح را گرفت<sup>۱۲۹</sup> و قاسم بن أصبغ از بکر بن حمّاد *المسنّد* مسدّد بن مُسرّد را شنید.<sup>۱۳۰</sup>

در خراسان: ابوسلیمان داود بن علی بغدادی از اسحاق بن راهویه *المسنّد* و *التفسیر* را شنید<sup>۱۳۱</sup> و ابوعبدالله صفّار اصبهانی از حسن بن سفیان *المسنّد*ش را فرا گرفت<sup>۱۳۲</sup> و دعلج بن احمد سجستانی در نیشابور *مصنّفات ابن خُرَیمه* را به دست آورد.<sup>۱۳۳</sup>

### 3-10. نشر کتب حدیث

گروهی از حدیث پژوهان در طی کوچ‌های علمی خویش بار و بنه‌شان، کتب و نوشته‌های حدیث بود و در شهرهای مقصد و حتی در میانه راه آن را در اختیار اهل این علوم می‌نهادند.

#### دانشمندان شیعه

سعید بن جبیر، از بزرگان تابعان، با ورودش به ری مواردی از *تفسیر ابن عباس* را در اختیار ضحاک بن مزاحم گذاشت.<sup>۱۳۴</sup>

۱۱۹. *الحیة العلمیة فی مکه*، ص 337 به نقل از *سؤالات اُبی داود لأحمد بن حنبل*، ص 350.
۱۲۰. همان، ص 338، به نقل از *طبقات علماء الشافعیة*، ص 40.
۱۲۱. *سیر اعلام النبلاء*، ج 12، ص 558، ش 3610.
۱۲۲. *الجرح و التعدیله*، ج 1، ص 315.
۱۲۳. *سیر اعلام النبلاء*، ج 11، ص 25، ش 2444.
۱۲۴. همان ج 12، ص 537، ش 3586.
۱۲۵. *المحدث الفاصل*، ص 231؛ *الأنساب*، ج 5، ص 345.
۱۲۶. *مدرسة الحدیث فی الیمن*، ص 468.
۱۲۷. همان، ج 12، ص 59، ش 3053.
۱۲۸. همان، ج 12، ص 229، ش 3247.
۱۲۹. *تاریخ علماء الأندلس*، ج 2، ص 17.
۱۳۰. همان، ج 1، ص 406.
۱۳۱. *سیر اعلام النبلاء*، ج 10، ص 491، ش 2273.
۱۳۲. همان، ج 12، ص 95، ش 3095.
۱۳۳. همان، ج 12، ص 205، ش 3219.
۱۳۴. *فتوح البلدان*، ص 316؛ *سیر اعلام النبلاء*، ج 5، ص 287، ش 483.



ابان بن ابی عیاش کتاب *سلیم بن قیس هلالی* را همراه خود به دیار شیراز و بصره برد.<sup>۱۳۵</sup> ابراهیم بن محمد بن سعید ثقفی کوفی (م 283ق) که در ابتدا زیدی مذهب بود و سپس به اثناعشریه گرایش یافت و کتابی به نام *المعرفة* در مناقب و مثالب مشهور نگاشت که کوفیان از او خواستند آن را کناری نهاده و نشر ندهد، اما او پس از جویا شدن از بدترین شهرها از نظر رفتار با شیعیان، روانه آنجا (اصفهان) شد و قسم یاد نمود که جز در آن شهر روایت نکند و تلاش بزرگان برای دعوت او به شهر قم سودی نداشت. نجاشی برای او بیش از چهل کتاب برشمرد که بیش تر آنها در بزرگداشت خاندان عصمت و طهارت و حقوق غصب شده ایشان است.<sup>۱۳۶</sup>

عالم بزرگوار ابراهیم بن هاشم کوفی قمی (قرن 3)، اولین کسی است که روایات کوفه را در شهر قم نشر داد. او کتاب‌های خود را همچون: *ال نوادر و قضایا امیر المؤمنین* □ را - که در زمره روایات منتقل شده از کوفه به شمار می‌رفتند - در میان دوست‌داران احادیث معصومان □ منتشر ساخت.<sup>۱۳۷</sup>

ابوالقاسم حیدر بن شعیب طالقانی *کتب فضل بن شاذان* را در بغداد نقل نمود.<sup>۱۳۸</sup> علی بن محمد ابوالحسن قزوینی قاضی در سال 356ق، وارد بغداد شد و بخشی از کتب مفسر بزرگ شیعه محمد بن مسعود عیاشی را با خود وارد این دیار نمود و اولین فردی بود که کتب این عالم فرزانه را وارد این شهر دانشمندان در آن روزگار نمود.<sup>۱۳۹</sup> از همه مهم‌تر، صاحب اولین کتاب از کتب اربعه شیعه ( *الکافی* )، محمد بن یعقوب کلینی است که در طی بیست سال کتاب گرانقدرش را نگاشت و آن را در طول سفر به بغداد، در میان علاقه‌مندان روایات معصومان □ گسترش داد و به شهادت شیخ طوسی در سال 327ق، «باب الکوفه» شهر بغداد «درب السلسله» مکان تعلیم او بود و شیخ در آن سال جمیع مصنفات و احادیث این عالم فخیم را به گونه مستقیم از او شنید و اجازه نقل آن را گرفت.<sup>۱۴۰</sup>

#### دانشمندان اهل سنت

ابومحمد غازی بن قیس اندلسی (م 199ق)، اولین نفر بود که قرائت نافع و *الموطأ* مالک را به اندلس وارد کرد.<sup>۱۴۱</sup>

ابواسحاق ابراهیم بن محمد نیشابوری (م 308ق) در راه حج *صحیح مسلم* را و *جادة* <sup>۱۴۲</sup> نقل نمود.<sup>۱۴۳</sup>

۱۳۵. کتاب سلیم، ص 77.

۱۳۶. رجال النجاشی، ص 16 - 18.

۱۳۷. همان، ص 16.

۱۳۸. اعیان الشیعة، ج 6، ص 270.

۱۳۹. همان، ص 267.

۱۴۰. الفهرست، ص 211.

۱۴۱. سیر اعلام النبلاء، ج 8، ص 206، ش 1418.

۱۴۲. روشی در طرق تحمّل حدیث که در آن فرد کتاب یا حدیثی را به خطّ راوی آن بیابد و با شناخت خطّ او، آن را از وی روایت کند. (تلخیص مقباس الهدایة، ص 180)

ابوعوانه یعقوب نیشابوری (م316ق) اولین کسی بود که مذهب و کتب شافعی را وارد اسفراين نمود.<sup>۱۴۴</sup>

ابن الأحرر محمد بن معاویه (م358ق) *السنن الکبیر* نسایی را در اندلس نقل نمود.<sup>۱۴۵</sup>

### 3-11. نگارش کتب حدیث

در جریان رحلات محدثان و کسب علوم و معارف حدیث، برخی از ایشان بر آن شدند، از فرصت ایجاد شده برای تقیید علمشان بهره گیرند و به نگارش آن بپردازند و برخی، مسموعات خویش را در قالب مسندهایی به رشته تحریر درآوردند؛ از آن جمله: ابوالحسن علی بن عبدالعزیز بنوی که *المسند الکبیر* را در جریان سفر به مکه نگاشت<sup>۱۴۶</sup> و ابراهیم بن نصر بن عبدالعزیز رازی که به شهر بصره رفت و نزد ابوسلمه تورق می‌کرد و پس از آن که اقامتش در آنجا به درازا کشید، حجره‌ای خرید و در حین کارهایش *المسندی* نگاشت.<sup>۱۴۷</sup>

برخی نیز، بیش تر مسموعات حدیثی‌شان، در احکام و مسائل فقهی بود. از این رو، کتبی در فقه الحدیث و فقه تابعان نگاشتند؛ نظیر عبیدالله بن علی بن ابراهیم که در پی سفرهای فراوانی که داشت، کتابی به نام *الجعفریة* در فقه اهل بیت □ تدوین نمود.<sup>۱۴۸</sup>

در میان اهل سنت، احادیث کتاب *العُتبیة* محمد بن احمد اندلسی (عُتبی)، مستخرج از شنیده‌های او از مالک بن انس بود.<sup>۱۴۹</sup> یا محمد بن مفرج قاضی که پس از سماع از دو بیست و سی شیخ در جریان سفرهایش، فقه حسن بصری را در هفت مجلد، *فقه رُهری* را در اجزای بسیار و *مسند قاسم بن أصبغ* را برای حاکم مستنصر جمع آوری نمود.<sup>۱۵۰</sup>

برخی، در شهرهای مقصد سفرشان، معلومات خویش را در موضوعات مختلف حدیثی در قالب کتاب درآوردند؛ نظیر ابومحمد مؤمن قمی (م340ق) شیخ شیعیان قم در عصر خویش که در سفر به کوفه کتابی در زیارت این شهر و مساجد و دیگر فضایل آن نگاشت.<sup>۱۵۱</sup>

و شیخ صدوق کتاب‌های *عیون اخبار الرضا* □ و *کمال الدین و تمام النعمة* را در شهرهای خراسان به رشته تحریر درآورد<sup>۱۵۲</sup> و چندین بخش از کتاب *الامالی* را در

۱۴۳. همان، ج 11، ص 321، ش 2724.

۱۴۴. همان، ج 11، ص 392، ش 2752.

۱۴۵. همان، ج 12، ص 229، ش 3247.

۱۴۶. همان، ج 10، ص 660، ش 2382.

۱۴۷. همان، ج 10، ص 666، ش 2390.

۱۴۸. *اعیان الشیعة*، ج 8، ص 137.

۱۴۹. *بغیة الملتمة*، ج 1، ص 71، ش 14.

۱۵۰. همان.

۱۵۱. *رجال النجاشی*، ص 123، ش 317.

۱۵۲. *الامالی*، مقدمه، ص 8؛ *کمال الدین و تمام النعمة*، ص 3 و 4.

مشهد الرضا □ نوشت. او در سال 367ق و مجلس 25 و 26 این کتاب و در سال 368ق، هنگام سفر به ماوراءالنهر در طی اقامتش در مشهد الرضا □ مجالس 94 و 95 و 96 را املا کرد.<sup>۱۵۳</sup> و در نهایت، گروهی ثمره و عصاره سفرشان را پس از گزینش و گلچین بهترین‌ها در قالب کتاب و دست‌نوشته تصنیف نمودند؛ نظیر محمد بن ادريس ابوحاتم رازی که پس از طواف بلاد اسلام به تدوین و تصنیف مسموعاتش و بررسی جرح و تعدیل آنها پرداخت.<sup>۱۵۴</sup>

#### 4. خاتمه

کنکاش منابع این پژوهش، یازده هدف عمده برای رحله‌های حدیثی برمی‌شمارد که مجموع آنها حول دو مقصود کلی فراگیری و فرادهی احادیث می‌گردد. «فراگیری» اعم است از اخذ اولیه حدیث، حفظ و اتقان احادیث گذشته، آگاهی از وجود روایانی که به تقلیل سند کمک می‌کنند، به دست آوردن مجموعه‌ها و کتاب‌های حدیث، آموختن علوم مربوط به حدیث و مذاکره در فهم و نقد آنها و «فرادهی» شامل انتقال احادیث و کتاب‌های مدوّن آن به بلاد مختلف بخصوص شهرهای دور از مرکز اسلام و آموزش علوم جدید در درک و نقد حدیث است. البته، به یقین، با گسترش منابع و بررسی جزئی زندگانی هر یک از راحلان حدیث، حقایق بیش‌تری از انگیزه و مقاصد سفرهای حدیث‌پژوهی به دست می‌آید که سبب می‌شود این تحقیق و امثال آن را پایان کار ندانیم.

#### کتابنامه

- اختیار معرفة الرجال، محمد بن حسن طوسی (م 460ق)، تحقیق: میرداماد و محمدباقر حسینی و سید مهدی رجایی، قم: موسسه آل البيت □، 1404 ق.
- الإرشاد في معرفة علماء الحديث، خليل بن عبدالله (م 446ق)، تحقیق: محمدسعید إدريس، ریاض: مكتبة الرشد، 1409ق.
- «الإسناد نشأته و أهميته»، حارث سليمان الضاری، مجلة كلية الشريعة، رئیس تحریریه: دكتور عبدالله محمد الجبوری، جامعة بغداد، مطبعة بابل، شماره 5، 1399ق.
- أعيان الشيعة، سید محسن أمين، تحقیق واستدراک: حسن أمين، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات، 1406ق.
- الإكمال في أسماء الرجال، خطیب تبریزی (م 741ق)، تعلیق: اسدالله انصاری، قم: مؤسسه اهل بیت □، بی‌تا.

۱۵۳. الامالی، مقدمه، ص 7 و 8.

۱۵۴. سیر اعلام النبلاء، ج 10، ص 597، ش 2236.

- *الأمالی*، محمد بن علی صدوق (م381ق)، تحقیق: قسم الدراسات الاسلامیه، قم: مؤسسة البعثة، 1417ق.
- *الأنسب*، عبدالکریم سمعانی (م562ق)، تعليق: عبدالله عمر البارودی، بیروت: دارالجنان، اول، 1988م.
- *بحار الأنوار*، محمدباقر مجلسی (م1111ق)، بیروت: مؤسسة الوفاء، 1403ق.
- *بُغیة الملتیس فی تاریخ رجال اهل الأندلس*، الضبی (م599ق)، تحقیق: ابراهیم الأبیاری، قاهره: دارالکتب المصری و بیروت: دارالکتب البنانی، 1410ق.
- *تاریخ ابن معین* (به روایت الدوری)، یحیی بن معین (م233ق)، تحقیق: عبدالله احمد حسن، دارالقلم، بی.تا.
- *تاریخ بغداد أو مدینة السلام*، خطیب بغدادی (م463ق)، تحقیق: مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت: دارالکتب العلمیة، اول، 1417ق.
- *تاریخ علماء الأندلس*، عبدالله بن فرضی (م403ق)، تحقیق: ابراهیم الإیاری، بیروت: دارالمکتب الاسلامیه، 1403ق.
- *التاریخ الكبير*، محمد بن اسماعیل بخاری (م256ق)، بیروت: مؤسسة الکتب الثقافیة، 1407ق.
- *تدریب الراوی فی شرح تقریب النووی*، عبدالرحمان سیوطی (م911ق)، تحقیق: عبدالوهاب عبداللطیف، مصر: مطبعة السعادة، 1386ق.
- *تلخیص مقیاس الهدایة*، علی اکبر غفاری، تهران: جامعة الامام الصادق، 1369ش.
- *تهذیب الکمال فی اسماء الرجال*، جمال الدین یوسف مزی (م654-742ق)، تحقیق: دکتر بشار عواد معروف، بیروت: مؤسسة الرسالة، دوم، 1408ق.
- *تهذیب المقال فی تنقیح کتاب الرجال*، سید محمد موحد أبطحی، قم: ابن المؤلف، اول، 1412ق.
- *الجامع الصحیح*، محمد بن اسماعیل بخاری (م256ق)، بیروت: دارالفکر، 1401ق.
- *الجامع لأخلاق الراوی*، خطیب بغدادی (م463ق)، تحقیق: محمد عجاج خطیب، بیروت: مؤسسة الرسالة، 1412ق.
- *الجرح و التعدیل*، ابن أبی حاتم رازی، حیدرآباد: دائرة المعارف العثمانیة، اول، 1372ق.
- *الحیة العلمیة فی مکه* (خلال القرنین الثانی و الثالث الهجرین)، عبدالعزیز بن راشد السنیدی، ریاض: مکتبة ملک فهد الوطنیة، اول، 1424ق.
- *الرجال*، شیخ طوسی، تحقیق: جواد قیومی اصفهانی، قم: مؤسسه نشر اسلامی، 1415ق.
- *رجال ابن داود*، ابن داوود حلی (م707ق)، نجف: المطبعة الحیدریة، 1392ق.

- رجال الشيعة في الأسانيد السنة، محمدجعفر طبسی، مؤسسه المعارف الاسلامیه، اول، 1420ق.
- رجال النجاشي، احمد بن علی نجاشی (م450ق)، تحقیق: سیدموسی شبیری، قم: مؤسسه نشر اسلامی، 1416ق.
- الرحلة في طلب حديث، خطیب بغدادی (م463ق)، محقق: نورالدین عتر، بیروت: دارالکتب العلمیه، 1395ق.
- السنة قبل التدوين، محمد عجاج خطیب، قاهره: مکتبه و هبة، دوم، 1408ق.
- سنن الدارمي، عبدالله بن بهرام دارمی (م255ق)، دمشق: مطبعة الاعتدال، بی تا.
- سير اعلام النبلاء، شمس الدین محمد ذهبی (م748ق)، تحقیق: محب الدین ابوسعید عمر بن غرامسة العُمروی، بیروت: دارالفکر، اول، 1417ق.
- صحيح مسلم، مسلم بن حجاج قشیری (م261ق)، بیروت: دارالفکر، بی تا.
- «علم رجال و مسأله توثیق»، محمدباقر بهبودی، تهران: کیهان فرهنگي، ش8، بهمن 1370.
- العين، خليل بن احمد فراهیدی (م175ق)، تحقیق: مهدی مخزومی و ابراهیم سامرای، قم: دار الهجرة، 1409ق.
- فتوح البلدان، احمد بن یحیی بلاذری (م279ق)، تهران: نشر نقره، 1367ش.
- الفصل في الملل والأهواء والنحل، علی بن حزم (م456ق)، مصر: مطبعة الادبية، اول، 1317ق.
- الفهرست، محمد بن حسن طوسی، تحقیق: محمدجواد القیومی، مؤسسه النشر الفقهية، اول، 1417ق.
- الكافي، محمد بن یعقوب کلینی (م329)، تحقیق: علی اکبر غفاری، تهران: دارالکتب الاسلامیه، 1388ق.
- کتاب سلیم، سلیم بن قیس هلالی، تحقیق: محمد باقر انصاری زنجانی خوئینی، بی جا، بی تا.
- کمال الدین و تمام النعمة، شیخ صدوق، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم: مؤسسه نشر اسلامی، 1405ق.
- لسان العرب، محمد بن مکرم بن منظور (م711ق)، بیروت: دار صادر، 1955م.
- مجمع البحرين، فخرالدین طریحی، تحقیق: سید احمد حسینی، تهران: مکتب النشر الثقافة الاسلامیه، 1408ق.
- المحدث الفاصل بين الراوي و الواعي، حسن بن عبدالرحمان رامهرمزی (م265-360ق)، تحقیق: دکتر محمد عجاج خطیب، بیروت: دارالفکر، 1404ق.
- مدرسة الحديث في البصرة حتي القرن الثالث الهجري، أمين القضاة، بیروت: دار ابن حزم، اول، 1419ق.

- *مدرسة الحديث في القيروان من الفتح الاسلامي و إلی منتصف القرن الخامس الهجري*، حسين بن محمد شواط، رياض: الدار العالميه للكتاب الاسلامي، اول، 1411ق.
- *مدرسة الحديث في اليمن*، محمد علي أحمد كبسي، يمن: جامعة صنعاء، 1425ق.
- *المستدرک علی الصحيحين*، محمد بن محمد حاکم نيشابوري (م405ق)، محقق: دکتر يوسف مرعشلی، بيروت: دار المعرفة، 1406ق.
- *مستدرکات علم رجال الحديث*، علی نمازی شاهرودي، تهران: چاپخانه شفق، 1412ق.
- *معجم البلدان*، ياقوت حموی (م626ق)، بيروت: داراحياء التراث العربي، بی تا.
- *معجم رجال الحديث و تفصيل طبقات الرواة*، سيد ابوالقاسم خويي (م1413ق)، پنجم، بی جا، بی تا، 1413ق.
- *معجم مقاييس اللغة*، ابوالحسن احمد بن فارس (م395ق)، تحقيق: عبدالسلام محمد هارون، قم: مكتبة الأعلام الإسلامي، 1404ق.
- *معرفة علوم الحديث*، حاکم نيشابوري، تحقيق: احمد بن فارس السلوم، بيروت: دار ابن حزم، 1424ق.
- *مقدمة ابن صلاح في علوم الحديث*، عثمان بن صلاح (م642ق)، بيروت: دارالكتب العلمية، 1409ق.
- *من لا يحضره الفقيه*، شيخ صدوق، تحقيق: علی اکبر غفاری، قم: انتشارات اسلامي، 1404ق.
- *نهاية الدراية*، سيدحسن صدر، تحقيق: ماجد الغرباوي، بی جا، نشرالمعشر، بی تا.
- *النهاية في غريب الحديث و الأثر*، ابن الأثير الجزري (م360ق)، تحقيق: طاهر احمد الزاوي و محمود محمد الطناحي، بيروت: المكتبة العلمية، بی تا.
- *الوجيزة حبل المتين*، بهاء الدين محمد بن حسين بهايي (م1031ق)، قم: انتشارات بصيرتي، بی تا.